**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی و چهارم\_24 آذر 1398**

بحث در روایاتی بود که به نحوی استدلال شده است در این روایات به قوله تعالی و ما جعل علیکم فی الدین من حرج. دو روایت را تاکنون خواندیم علاوه بر روایاتی که در مورد احرام و کندن مو بود ان را جدا کردیم چون ادعا شده بود در مورد حرام است.

اما روایت سوم وسائل الشیعه ج 1، ص 212، باب 9ابواب ماء مضاف، حدیث 5:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي الرَّجُلِ الْجُنُبِ يَغْتَسِلُ فَيَنْتَضِحُ مِنَ الْمَاءِ فِي الْإِنَاءِ[[1]](#footnote-1) فَقَالَ لَا بَأْسَ‏ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَج‏

امام به ما جعل علیکم استدلال کردند این مورد هم باز بحث طهارت است و نجاست. قطعا اگر شارع در مساله طهارت سخت بگیرد حرج است.

روایت چهارم، وسائل الشیعه ج 1، ص 154، باب 8، ابواب ماء مطلق حدیث 11:

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُنُبِ يَحْمِلُ الرَّكْوَةَ أَوِ التَّوْرَ[[2]](#footnote-2) فَيُدْخِلُ إِصْبَعَهُ فِيهِ قَالَ وَ قَالَ إِنْ كَانَتْ يَدُهُ قَذِرَةً فَأَهْرَقَهُ‏[[3]](#footnote-3)- وَ إِنْ كَانَ لَمْ يُصِبْهَا قَذَرٌ فَلْيَغْتَسِلْ مِنْهُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى‏ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ‏[[4]](#footnote-4)

روایت پنجم، وسائل، ج 1، ص 152:

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُيَسِّرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ الْجُنُبِ يَنْتَهِي إِلَى الْمَاءِ الْقَلِيلِ فِي الطَّرِيقِ وَ يُرِيدُ أَنْ يَغْتَسِلَ مِنْهُ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِنَاءٌ يَغْرِفُ بِهِ وَ يَدَاهُ قَذِرَتَانِ قَالَ يَضَعُ يَدَهُ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ[[5]](#footnote-5) ثُمَّ يَغْتَسِلُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ‏ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ‏[[6]](#footnote-6).

اینکه یداه قذرتان را چگونه باید معنا کرد، آب قلیل چیست؟ این ها مباحثی است که ما در ماء قلیل بیان کردیم . مهم این است که امام در چنین فرضی به آیه ارجاع می دهد.

روایت ششم در وسائل الشیعه ج 3، ص 364 ، باب 13، ابواب تیمم حدیث 1:

ثُمَّ قَالَ‏ ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ‏[[7]](#footnote-7) وَ الْحَرَجُ الضِّيقُ.

روایت 7، قرب الاسناد ص 84:

وَ عَنْهُ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ:

«مِمَّا أَعْطَى اللَّهُ أُمَّتِي، وَ فَضَّلَهُمْ بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، أَعْطَاهُمْ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا إِلَّا نَبِيٌّ:

وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيّاً قَالَ لَهُ: اجْتَهِدْ فِي دِينِكَ وَ لَا حَرَجَ عَلَيْكَ، وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَى ذَلِكَ أُمَّتِي حَيْثُ يَقُولُ‏ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ‏[[8]](#footnote-8) يَقُولُ: مِنْ ضِيقٍ.

از این روایت استفاده می­شود که ضیق از امت اسلام برداشته شده است در حالی که اضطرار از همه برداشته شده است پس معلوم می­شود انی که در حرج هست، ضیقی به حد اضطرار لازم نیست باشد، ان بحث اضطرار جداست.

روایت هشتم در بحار الانوار ج 2، ص 277 در ذیل این آیه کریمه:

كِتَابُ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ‏ فَقَالَ فِي الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْخَيْرِ أَنْ تَفْعَلُوهُ.

علامه مجلسی می فرماید:

بيان الظاهر أن الغرض تعميم نفي الحرج.

این روایات. با مراجعه به فقه و فتاوی علما به مواردی برخورد می کنیم که فقهای بزرگوار ما سخن از قاعده نفی حرج به میان می­آورند. آیات و روایات را گفتیم اما فتاوی:

این فتاوی نشانگر دیدگاه فقهاست در مورد عدم حرج در دین:

1. عفو از دم جروح کمتر از درهم بغلی. اگر خون بدن انسان کمتر از یک درهم باشد، بخشیده شده است.
2. عفو از نجاست در ثوب مربیه.
3. عفو از نجاست در ما لا یتم الصلاة به
4. مطهریت ارض؛ اینکه زمین خودش یکی از مطهرات است و کفش انسان را پاک می کند و لازم نیست تطهیرش کنم برایان است که سختی در دین نیست.
5. نماز مبطون؛ کسی که در شکم دارد و کنترل نمی تواند بکند اگر بنا بود این اقا خود را برای نمازها حتما تطیر کند و نگذارد که وضویش باطل شود، این قطعا حرج است.
6. عدم لزوم اجتناب در شبهات غیر محصوره، اگر بنا بود در شبهات غیر محصوره هم این عسر و حرج می کشید
7. ما در طهارت مخالفین گفتیم عده ایی می گویند مخالفین پاک هستند اما نه این که خودشان اقتضای طهارت داشته باشند تسهیلا لامر الشیعه و ذبائیح انها حلال است باز هم تسهیلا للشیعه
8. اینکه کثیر الشک لا شک له، اعتنا به شکش نکند. اگر بنا باشد کثیر الشک به شک خود اعتنا کند حرج شود.
9. خود حکم تیمم که اگر اب برای عضوی از اعضای بدنت مضر بود، وضو نه، تیمم کن.
10. اصالة الصحة و حمل فعل مسلم بر صحت . اگر این نبود قطعا حرجی می شد.
11. سوق المسلمین. اگر سوق مسلمان ها با سوق غیر مسلمین یکی بود و شما باید در مورد شرایط ذبح به یقین می رسیدید این حرج است.
12. شک بعد از محل.
13. شک بعد از فراق

اگر آن قانون شرعی نباشد این ها همه حرج است.

1. تقیه
2. قصر در سفر
3. افطار روزه توسط مریض
4. خیارات

این ها همه نمونه بود شما از اول فقه تا آخر فقه مشاهده می کنید مواردی را که فقها بیان کردند که اگر ان حکم نباشد عسر و حرج پیش می آید.

حال سوالی که باید پاسخ دهیم این است که آیا نفی حرج حکم اولی است یا حکم ثانوی است یا حکم حکومی و ولائی است؟ سوال دوم این که آیا حرجی که نفی شده است حرج نوعی است، یا حرج شخصی است؟ این دو سوال که پاسخ داده شد، طبق مسلک قوم یک جمع بندی باید بکنیم قاعده نفی حرج بعد برسیم به انچه که مختار خود ما در این باب است. اما سوال اول که آیا نفی حرج حکم اولی است یا ثانوی یا ولائی؟

ان شاء الله ادامه بحث در جلسه بعدی.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

1. ( 4)- في نسخة التهذيب 1- 132- 364 في إنائه،( منه قده). [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 4)- التور- إناء من صفر أو حجارة كالاجانة و قد يتوضا منه( لسان العرب 6- 96). [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 5)- في المصدر- فليهرقه. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 6)- الحجّ 22- 78. [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 5)- في نسخة- و يتوضا( هامش المخطوط). [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 6)- الحجّ 22- 78. [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 6)- المائدة 5- 6. [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 3)- الحجّ 22: 78. [↑](#footnote-ref-8)